

تراژدی توسعه شهری مدرن: تحلیل نوسازی کالبدی در تخریب اجتماع محلی

مطالعه موردی: کلانشهر تبریز

عیسی پیری^۱ - استادیار دانشگاه زنجان، گروه جغرافیا.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

چکیده

شهرسازی مدرن معلول عقلانیت ابزاری و نگاه سودمدار اقتصادی است که زمین شهری را به عنوان کالای ارزشمند اقتصادی در چرخه عرضه و تقاضا وارد می‌کند و از این رهگذر است که برنامه‌ریزی شهری کالبدی، جایگزین برنامه‌ریزی شهری اجتماعی می‌شود. توسعه فضایی کلانشهر تبریز همانند بیشتر شهرهای بزرگ ایران مسبوق به همین بنیاد معرفت شناختی و هستی شناختی مدرنیستی است. اساسی‌ترین تراژدی شهرسازی مدرن، تخریب و نوسازی واحدهای همسایگی، محلات تاریخی و نیز جابه‌جایی جمعیت‌ها و گروه‌های انسانی است. ما این پدیده را به وضوح از رهگذر پروژه‌های وسیع نوسازی کالبدی که در محدوده محلات تاریخی کلانشهر تبریز اجرا شده، مشاهده کردیم. بنابراین در چارچوب نظریه متأخر سرمایه اجتماعی سعی شده است کیفیت روابط اجتماعی گروه‌های اجتماعی جابه‌جا شده را در محدوده محلات جدید و حومه‌ای بررسی کنیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اغلب گروه‌های جمعیتی با افزایش تراکم و نوسازی کالبدی در محلاتی مانند راسته کوچه، دارایی، بازار، امین و ... عمدتاً به سمت محلات جدید مانند منظریه، ولیعصر، رشديه، میرداماد و زعفرانیه حرکت کرده‌اند. در عین حال سرمایه اجتماعی محلات مدرن بسیار پایین‌تر از محلات قدیمی است.

واژگان کلیدی: شهرسازی مدرن، نوسازی کالبدی، اجتماعات محلی، سرمایه اجتماعی، تبریز.

۵

شماره نوزدهم

تابستان ۱۳۹۵

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهر

تراژدی توسعه شهری مدرن: تحلیل نوسازی کالبدی در تخریب اجتماع محلی

۱. مقدمه

نوسازی^۱ مضمون اساسی پروژه مدرنیته (Habermas, 1983) و خرد روشنگری^۲ در عرصه‌های مختلف اندیشه، هنر و زیبایی‌شناسی است. مطالعات نوسازی در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ تأثیرات عمده‌ای بر علوم اجتماعی بر جای نهاد. ادعای اصلی و محوری نظریه نوسازی این است که بین صنعتی شدن و فرایندهای دگرگونی اجتماعی-سیاسی خاص، روابط همبستگی وجود دارد که در سطحی گسترده اعمال می‌شود (Inglehart, 2011: 3). مارشال برمن، مدرنیسم را مجموعه‌ای از تصاویر، نگرش‌ها، بینش‌ها و آرا و عقایدی می‌داند که هدف آنها تبدیل مردان و زنان به سوژه‌های نوسازی و در عین حال مضمون نوسازی است که ایشان را از قدرت تغییر دادن جهانی برخوردار می‌کند که در حال تغییر دادن خود آنهاست (Berman, 1983: 16). دو فرایند مقدماتی پروژه مدرنیته آغازگر شهرسازی مدرن بودند: "خلاقیت مخرب" (شکل دادن به جهان موقتی فردیت و تبدیل شدن به فرایند مخرب وحدت) و "تخریب خلاق" (بلعیدن جهان توهمی فردیت، فرایندی که مستلزم واکنش به وحدت است) (Harvey, 2011: 33). شاید بهترین نمونه ادبی ترازدی نوسازی کالبدی و شهرسازی مدرن **فاوست گوته** باشد. فاوست گوته نخستین و تا به امروز، بهترین ترازدی رشد و توسعه است (Berman, 2007: 48). نوسازی کالبدی و تخریب خلاق مدرنیسم، چهره‌های بسیاری را زیر یک چتر می‌آورد که طیفی از رزرواژن هوسمان پارسی تا رابرت موزس نیویورکی، لوکوربوزیه تا کامیلو سیتته، اتو واکتر، مهندس فرمانفرمایان و... را شامل می‌شود. کیفیت کالبدی شهر و روابط اجتماعی-فرهنگی رابطه متقابلی با یکدیگر برقرار می‌کنند. چنانچه زیمل معتقد است که مراکز بزرگ شهری در جهان مدرن موجب تغییر در زندگی انسانی می‌شوند و مستلزم قابلیت‌های متفاوتی هستند؛ از قابلیت‌هایی که شهر کوچک و حومه ایجاب می‌کند. این قابلیت‌ها موازی با اقتصاد پولی اند (Craib, 2009: 286-287). سرمایه اجتماعی^۳، مولود روابط کنشگران در بازی‌های^۴ مکرر است (Piri, 2011: 53) که در کیفیات کالبدی مختلف می‌تواند انواع متفاوتی به خود بگیرد. به عنوان مثال شدت و تراکم روابط انسانی آشنا در گماینشافت تولید کننده نوع خاصی از سرمایه اجتماعی است که خود مترتب بر ترتیب فضایی و شهری خاصی است که معمولاً شامل شهرهای کوچک می‌شود اما در گرلشافت و جوامع شهری بزرگ که به علت اقتصادی شدن فضا دائم در معرض نوسازی کالبدی است، سرمایه اجتماعی شکل دیگری به خود می‌گیرد و با تضعیف می‌شود. پدیده جابه‌جایی گسترده فضایی، الگویی آشنا و روزمره در شهر مدرن است که در واقع زایش دیالکتیکی نوسازی کالبدی، منتج از همین فرایند فضایی است. جابه‌جایی گسترده اجتماعات محلی مکان-مبنا و تخریب واحدهای همسایگی باعث ایجاد فضاهای عمومی و باز گسترده‌ای در قلب محلاتی می‌شود

که جمعیت ساکن ثانوی علاقه‌ای به حضور در فضای عمومی آن ندارند و روابط همسایگی آشنا جای خود را به روابط قراردادی و به شدت مکانیکی و اقتصادی می‌دهد. از رهگذر این فرایند، سرمایه اجتماعی بازیگران تضعیف شده و یا شکل نهادی به خود می‌گیرد که آن هم بسیار مبتنی بر خرد ابزاری و استراتژیک است. ما این پدیده را به وضوح از رهگذر پروژه‌های وسیع نوسازی کالبدی که در محدوده محلات تاریخی کلانشهر تبریز اجرا شده، مشاهده کردیم. بنابراین در چارچوب نظریه متأخر سرمایه اجتماعی سعی شده، کیفیت روابط اجتماعی گروه‌های اجتماعی جابه‌جا شده را در محدوده محلات جدید و حومه‌ای بررسی کنیم.

۲. چارچوب نظری

۲.۱. شهرسازی مدرن به مثابه کنش

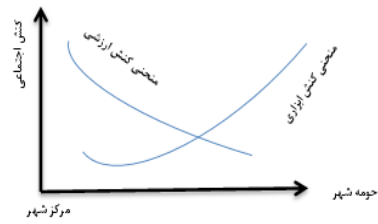
شهرسازی مدرن نوعی کنش فضایی و مسبوق به تحولات گسترده اجتماعی-اقتصادی است که از قرن شانزدهم میلادی سعی در جایگزینی عقلانیت رهایی‌بخش به جای اسطوره‌های سنتی داشت. بنابراین اگر بخواهیم شهرسازی را نوعی کنش تعریف نماییم، همانند سایر عرصه‌های اجتماعی متحمل دو نوع کنش است. ماکس وبر در تحلیل کنش‌های اجتماعی از دو نوع کنش عقلانی بحث می‌کند که عبارتند از:

۲.۱.۱. **کنش عقلانی ابزاری:** یعنی با توجه به انتظاراتی که از رفتار اشیا در محیط و از رفتار دیگر انسان‌ها می‌رود، تعیین گردد. این انتظارات به عنوان «شرایط» یا «وسایل» دستیابی بازیگر به هدف‌های به نحو عقلانی محاسبه شده‌اش مورد استفاده قرار می‌گیرد (Callinicos, 2006: 286). این نوع عقلانیت همانا تعقل ابزاری استراتژیک مدرن است یعنی تعقلی که هدف و موفقیت آن در اعمال سلطه هرچه مؤثرتر و بیشتر بر طبیعت و انسان است (Hagigi, 2008: 188) این عقل برای پیشینیان «اصل پیروزمند آفرینش» بود و برای کانت «فاتح قطعی تاریخ انسان» (Ahmadi, 2006: 20).

۲.۱.۲. **کنش عقلانی ارزشی:** که به واسطه باوری آگاهانه به ارزش خاص خود فلان شکل از رفتار اخلاقی، زیبایی‌شناختی، دینی یا دیگر شکل‌ها، مستقل از دورنماهای موفقیت تعیین می‌گردد (Callinicos, 2008: 286). بنابراین عقلانیت ارزشی با هدف‌های کنش و عقلانیت ابزاری با وسایل کنش سروکار دارد (Piri, 2011: 65). در هر بافت شهری نیز می‌توان نماد فضایی این دو نوع کنش را مشاهده کرد. به عنوان مثال ساختمان‌های تاریخی مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و... در شهرهای اسلامی مسبوق به دانه‌های کنش عقلانی ابزاری نیست بلکه اینها بناهایی ارزشی‌اند که در واقع پیامد کنشی ارزشی هستند. با بررسی میدانی در بافت مرکزی شهرهای اسلامی همانند تبریز مشاهده می‌شود که تعداد و تراکم بناهای معماری مقدس و از نظر تاریخی ارزشمند بسیار بیشتر از قسمت‌های حومه‌ای و مدرن شهر است؛ به عبارت دیگر با وجود تغییر ماهیت مرکز شهر و نوسازی کالبدی وسیعی که به خود دیده است، همچنان تراکم کنش‌های ارزشی در این قسمت از شهر بیشتر است. اما هر چه قدر به طرف نواحی حومه و مدرن

- 1 Modernization
- 2 Enlightenment
- 3 social capital
- 4 Game

شهر حرکت کنیم، از منظر فضایی با تراکم کنش های ابزاری روبه رو می شویم که نماد فضایی آن کاربری های گسترده تجاری، فضاهای تولید و مصرف انبوه و ... است (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: کنش اجتماعی و فضای شهری

اما باید اذعان کنیم عقلانیت ابزاری همه فضای شهر مدرن را تحت سیطره خود در آورده است و منحنی های کنش ابزاری و ارزشمند در نمودار فوق بیشتر به صورت موازی در می آید. هر چند که در شهرسازی مدرن مرکز شهر نیز معلول کنش های ابزاری شده است اما تا حدی با وجود بناهای ارزشمند تاریخی و مذهبی تراکم کنش های ارزشی بیشتر است. در شهرسازی مدرن، نگاه سودمدار اقتصادی، زمین شهری را به عنوان کالای ارزشمند اقتصادی در چرخه عرضه و تقاضا وارد می کند و از این رهگذر است که برنامه ریزی شهری کالبدی جایگزین برنامه ریزی شهری اجتماعی می شود.

۲.۲. دیالکتیک نوسازی کالبدی و کیفیت سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی شامل جنبه هایی از ساختار اجتماعی است که کنش جمعی را تسهیل کرده (Suzuki, 2010: 1368) و منابعی را برای دستیابی مردم به اهدافشان در اختیار می گذارد (Chuang, 2008: 1322). رابرت پوتنام اندیشمند علوم سیاسی، اصطلاح سرمایه اجتماعی را به مفهوم وسیعی به کار می گیرد و آن را این چنین تعریف می کند: "جنبه هایی از سازمان اجتماعی همانند شبکه ها، هنجارها و اعتماد که همیاری و همکاری برای دسترسی به منافع متقابل را تسهیل می کند" (Ibid). و زمینه دستیابی به کالای عمومی را فراهم می آورد (Maru et al, 2007: 183). تعریف او به مزایای جمعی شبکه های اجتماع (Snelgrove, 2009: 1993; Jones, 2010: 123) و ابعاد انسجام اجتماعی همانند اعتماد بین فردی و هنجارهای معامله به

مثل (Carpiano, 2008: 569) توجه دارد و شامل ویژگی ها و کیفیات روابط اجتماعی است (Folland, 2007: 2343). او در کتاب معروف خود به نام Making Democracy Work: Civic Traditions in Italy با تأکید بر آنچه که کلاوس آفه آن را (فرایندهای غیررسمی و فرو- نهادی که استقامت و پایداری نهادها به آن وابسته هستند) (Tajbakhsh, 2006: 9) با تحلیل عمیق تجربه ایتالیا در زمینه راه اندازی حکومت های محلی در مناطقی از قبیل امیلیا رومانا و توسکانی با سنت دیرپای سازمان های مدنی و کالابریا و سیسیل با فقدان نهادهای مدنی، دو نوع سرمایه اجتماعی در میان اجتماعات محلی تشخیص می دهد:

الف. سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی^۱: این نوع سرمایه اجتماعی مبتنی بر پیوندهای درونی میان افراد گروه است و بر اهمیت پیوندهای نیرومند درون اجتماعی که به خانواده ها و اجتماعات، حس هويت و مقصد مشترک می دهد، تأکید می کند (Woolcock & Narayan, 2000: 230).

ب. سرمایه اجتماعی اتصالی^۲: این نوع سرمایه اجتماعی با ابتنا بر روابط بیرونی گروه ها، تأکید دارد که در فقدان پیوندهای بین اجتماعی از قبیل پیوندهایی که شکاف های گوناگون اجتماعی از قبیل دین، طبقه، قومیت، جنسیت و موقعیت های اجتماعی را در می نوردند، به عنوان مبنایی برای پی جویی منافع فرقه ای در می آید (Ibid). بنابراین سرمایه اجتماعی اتصالی می تواند وجه منفی آن را پوشش دهد (Piri, 2009: 8) (جدول شماره ۱).

پژوهشگران دوراهی زندانی^۳ و دیگر مدل های نظریه بازی^۴ به این نتیجه رسیده اند که بازی مکرر، مؤثرترین راه برای ایجاد و حفظ کنش جمعی است. بنابراین سرمایه اجتماعی یک شبه ایجاد نمی شود بلکه با افزایش تنوع شبکه های اجتماعی فقرا، رفاه آنان نیز افزایش می یابد (Ibid). جغرافی دانان به صورت کلاسیک به روابط بین مردم و محیط فیزیکی و اجتماعی آنان توجه می کنند که مبنایی را برای مطالعه اجتماعی شهر فراهم می آورد. فضاهای شهری به وسیله مردم به وجود می آیند. همچنان که مردم در فضاهای شهری زندگی کرده و کار می کنند، به تدریج محیطشان را تعدیل کرده و تا جایی که می توانند آن را به منظور برآوردن نیازهای شان و بیان ارزش های شان با خود همراه می کنند. همزمان با آن مردم علاوه بر محیط فیزیکی، خود را با محیط

جدول شماره ۱: ابعاد سرمایه اجتماعی در سطح اجتماع محلی

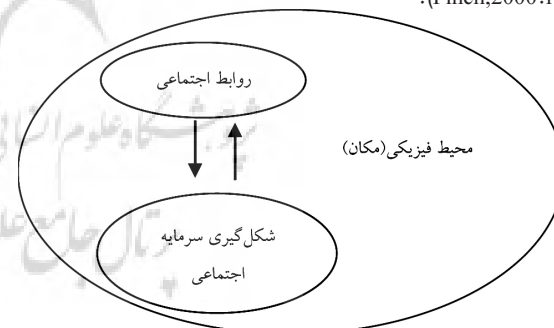
پیوندهای درون اجتماعی (سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی)		شبکه های برون اجتماعی (سرمایه اجتماعی اتصالی)
کم	زیاد	کم
رانده شدگان از اجتماع خود	روستاییان فقیر	زیاد
مهاجران تازه وارد از روستا به شهر	اعضای موفق برنامه هایی که با سرمایه های خرد اجرا می شوند	

Source: Woolcock & Narayan, 2000: 231

- 1 bonding social capital
- 2 bridging social capital
- 3 prisoner dilemma
- 4 Game theory

اجتماعی تطبیق می‌دهند (Knox and Pinch, 2000: 10). به عبارت دیگر کنشگر "موتور محرک عمل" ندارد. کنشگر را محیط اطراف شکل می‌دهد (Tajbakhsh, 2006: 45) و حتی آنتونی گیدنز تلاش می‌کند در مفهوم‌سازی چگونگی ارتباط اعمال انسانی با ساختار اجتماعی مفهومی از مکان را وارد نماید (Dickens, 1988: 2) و منظور گیدنز از مکان، محیط فیزیکی یا کالبدی است. بنابراین از نظر اجتماعی، فضای فیزیکی، زندگی مردم و رویارویی آنها با فرایندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ibid) و بعضی از اقتصاددانان در انتقاد از تئوری‌های اقتصاد نئوکلاسیک و همچنین انواع فلسفه‌های سیاسی از قبیل فایده‌گرایی و اصالت قرارداد و حقوق طبیعی، محیط و شرایط اجتماعی را در شکل‌گیری هنجارهای حاکم بر کنش‌های اقتصادی مطرح می‌کنند. از منظر جغرافیایی این فرایند دو سویه مداوم، دیالکتیک اجتماعی-فضایی (Soja, 1980) را به وجود می‌آورد که مردم هم فضای شهری را خلق کرده و هم آن را تعدیل و به روش‌های مختلف به آن خو می‌گیرند. سه جنبه اصلی دیالکتیک اجتماعی-فضایی عبارتند از:

- ۱- روابط اجتماعی که از طریق فضا شکل می‌گیرد، به طوری که ویژگی‌های سایت ترتیبات سکونتگاهی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ۲- روابط اجتماعی که به وسیله فضا محدود می‌شود. همانند این که یک قوه جبری، به وسیله محیط ساخته شده و تحمیل می‌شود و یا به اندازه‌ای که تسهیلات و موانع محیط فیزیکی فعالیت انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ۳- روابط اجتماعی که به وسیله فضا میان‌گیری می‌شوند. گویی که "اصطکاک ناشی از فاصله" ایجاد تنوع وسیعی از تجربیات اجتماعی شامل الگوهای زندگی روزمره را فراهم می‌آورد (Knox and Pinch, 2000: 11).



تصویر شماره ۲: فضا به مثابه ظرف تشکیل سرمایه اجتماعی
Piri and Khakpoor, (2005): 25

سرمایه کالبدی و سرمایه اجتماعی تفاوت‌هایی با هم دارند که در سه دسته طبقه‌بندی شده است:

الف- سرمایه کالبدی آسان‌تر از سرمایه اجتماعی مشخص و صورت‌برداری می‌شود؛ برخلاف روابط اجتماعی و شبکه‌های اعتماد، ساختمان‌ها، راه‌ها و پارک‌ها به وضوح به چشم می‌آیند.

ب- سرمایه کالبدی و سرمایه اجتماعی الگوهای متضادی از انباشت و کاهش ارائه می‌دهند. سرمایه کالبدی بر اثر استفاده بیش از حد در طول زمان از بین می‌رود، در حالی که سرمایه اجتماعی نه بر اثر استفاده بلکه به دلیل بی‌استفاده ماندن زایل

می‌شود.

ج- سرمایه اجتماعی و کالبدی الگوهای ماندگاری متفاوتی نشان می‌دهند. در حالی که سرمایه اجتماعی به سهولت و به سرعت زایل می‌شود؛ جایگزینی آن نسبت به جایگزینی سرمایه کالبدی دشوارتر است (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲: تفاوت‌های میان سرمایه اجتماعی و کالبدی

	شکل‌گیری	ظهور	زوال / فرسایش
سرمایه کالبدی	آسان	آسان	سخت
سرمایه اجتماعی	سخت	سخت	آسان

Source: Arefi, (2001): 28

نوسازی کالبدی که در محدوده مرکزی کلانشهرها اتفاق می‌افتد، از رهگذر کنش فضایی ابزاری باعث تقویت سرمایه کالبدی محلات مرکزی می‌شود. یکی از ابعاد تراژیک نوسازی کالبدی از رهگذر نوعی منطق دیالکتیکی زایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر در حالی که با تعریض معابر و مدرن‌سازی محلات، فضاهای عمومی گسترده‌ای را به وجود می‌آورد تا زمینه کنش متقابل عاملان انسانی فراهم شود، اما با تخریب فضای قبلی گوتیک^۱ یا باروک^۲ و طراحی و حاکمیت الگوی فضایی شهرسازی مدرن، با جابه‌جا کردن همسایگان و اجتماعات محلی و... باعث کاهش روابط همسایگی می‌شود. به عبارت دیگر طنز تراژیک شهرسازی مدرنیستی در این است که پیروزی‌اش به نابودی همان زندگی شهری کمک کرده است که آزادی و رهایی آن آرزوی این نوع شهرسازی بود (Berman, 2007: 205). نوسازی کالبدی نه تنها باعث تقلیل‌گرایی مفهومی از توسعه شهری می‌شود و آن را در حد متغیری اقتصادی که معلول دست‌پنهان بازار و بازی عرضه و تقاضای اقتصادی است، بازنمایی می‌کند اما در عین حال باعث تقلیل‌گرایی در مفاهیمی همانند سرمایه اجتماعی و روابط فرهنگی می‌شود.

۳. فرضیات تحقیق

- بین نوسازی کالبدی و تخریب اجتماعات محلی در محدوده بافت مرکزی شهر تبریز همبستگی معنی‌داری وجود دارد.
- سرمایه اجتماعی اتصالی در محدوده محلات مرکزی شهر تبریز بیشتر از محلات مدرن است.
- سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی در محدوده محلات مرکزی شهر تبریز بیشتر از محلات مدرن است.

۱- شهر گوتیک توسط نمادگرایی ساخت یافته بود. استعاره آن هزار تو است. این شهر مرکب از خیابان‌های باریک پرپیچ و خمی بود که هر یک از آنها، حاوی محل زندگی و کار استادکاران، پیشه‌وران و کارآموزها و خانه شاگردهای اصناف مختلف صنعت دستی بود.

۲- در مدرنیته آغازین ابتدا رنسانس و سپس ایده‌های باروک منادی پایان گرفتن گماین شافت هزارتوی قرون وسطایی بودند. ویژگی عمده الگوی باروک بلوارهای بزرگ مدرن در درون شهرهای قدیمی بود. هدف آن در واقع آرایش هندسی خیابان‌ها، خیابان‌هایی صاف با زوایایی قائم نسبت به یکدیگر و اصول هندسی بود. مدل مشهور هوسمان در پاریس، مدل وینگسترآسه در وین و برلین معمولاً به عنوان نمونه‌هایی از شهرسازی باروک آورده می‌شود.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و روش تحقیق پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات، مشاهده میدانی و استفاده از پرسشنامه با الگوی طیفی لیکرت برای برآورد متغیرهای تحقیق است. نوسازی کالبدی متغیر مستقل و کیفیات سرمایه اجتماعی متغیر وابسته می باشد که به منظور تحلیل همبستگی معنی دار متغیر مستقل و وابسته محله مرکزی و تاریخی شهر یعنی راسته کوچه، سید حمزه، شمس و تربیت و محلات مدرن زعفرانیه، ولیعصر، رشديه و میرداماد به عنوان نمونه انتخاب شده اند. روش نمونه گیری دو مرحله ای خوشه ای و سیستماتیک است. ابتدا با توجه به شاخص های نوسازی کالبدی، خوشه های مورد نظر انتخاب شده و سپس به روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک جمعیت پاسخگو مشخص شده است. نمونه آماری را با استفاده از فرمول عمومی کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و مقدار دقت احتمالی ۰/۰۵، به تعداد ۲۷۳ نفر انتخاب شده است.

۵. آزمون فرضیات

۵.۱. فرضیه نخست

H1: بین نوسازی کالبدی و تخریب اجتماعات محلی در محدوده بافت مرکزی شهر تبریز همبستگی معنی داری وجود دارد.
H0: بین نوسازی کالبدی و تخریب اجتماعات محلی در محدوده بافت مرکزی شهر تبریز همبستگی معنی داری وجود ندارد.

میانگین ضریب آلفا کرونباخ برای فرضیه مطرح شده عدد ۰/۷۱۴ می باشد که بدین ترتیب سازه های تحقیق از پایایی مناسبی برای سنجش فرضیه مورد نظر برخوردارند. با توجه به این که هر دو متغیر نوسازی کالبدی (مستقل) و تخریب اجتماعات محلی (تابع) در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی برای سنجش رابطه آنها بهره گرفته شد. (جدول شماره ۳)

چنانچه در جدول شماره ۴ ملاحظه می گردد در سطح معنی داری یک دامنه ای، سطح معنی داری آزمون ۲ پیرسون ۰/۰۰۰ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی داری (۰/۰۵) کوچکتر می باشد و نیز با توجه به مقدار ۲ محاسبه شده که ۰/۶۹۹ می باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۲ که ۰/۱۳۸ می باشد، بزرگتر است، رابطه معنی داری بین دو متغیر یاد شده در فرضیه نخست وجود دارد. برای آزمون تأثیر متغیر مستقل (پیش بین) بر متغیر وابسته این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده شده است. از آن جا که سطح معنی داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می باشد، می توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق با خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار می باشد. ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، ۰/۴۸۹ می باشد. می توان بیان نمود که حدود ۴۸/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (Y)، توسط تغییرات در متغیر مستقل یا پیش بین (X) تبیین می گردد.

جدول شماره ۳: آزمون ۲ پیرسون برای تعیین همبستگی تأثیر مستقیم نوسازی کالبدی در تخریب اجتماعات محلی

		نوسازی کالبدی	تخریب اجتماعات محلی
Pearson Correlation	تخریب اجتماعات محلی	۱/۰۰۰	۰/۶۹۹
	نوسازی کالبدی	۰/۶۹۹	۱/۰۰۰
Sig. (1-tailed)	تخریب اجتماعات محلی		۰/۰۰۰
	نوسازی کالبدی	۰/۰۰۰	
N	تخریب اجتماعات محلی	۲۷۳	۲۷۳
	نوسازی کالبدی	۲۷۳	۲۷۳

جدول شماره ۴: تحلیل واریانس مربوط به مدل رگرسیونی متغیر مدیریت شهری و تأثیر آن بر فضای سبز و توسعه پایدار

خطای استاندارد		ضریب تشخیص تعدیل شده		خطای استاندارد		
R	ضریب تشخیص (R^2)	ضریب تشخیص شده		خطای استاندارد		
۰/۶۹۹	۰/۴۸۹	۰/۴۸۷		۰/۴۹۳۶۲		
منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مربعات	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری	سطح اطمینان
رگرسیون	۱	۶۳/۲۵۳	۶۳/۲۵۳	۲۵۹/۵۹۵	۰/۹۵	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۷۱	۶۶/۰۳۲	۰/۲۴۴		نتیجه آزمون: رد فرضیه H_0	
کل	۲۷۲	۱۲۹/۲۸۵	----			

جدول شماره ۵: ضرایب پارامتر فرضیه نخست مربوط به متغیر مدیریت شهری و تأثیر آن بر توسعه پایدار

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	t محاسبه شده	β شیب خط	عنوان متغیر
رد فرض H_0	۰/۰۰۰	۷/۹۸۰	۱/۱۹۶	عرض از مبدأ
رد فرض H_0	۰/۰۰۰	۱۶/۱۱۲	۰/۷۲۴	نوسازی کالبدی

فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی برای سنجش رابطه آنها بهره گرفته شد. چنانچه در جدول شماره ۷ ملاحظه می‌گردد، در سطح معنی داری یک دامنه‌ای، سطح معنی داری آزمون t پیرسون ۰/۰۰۰ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی داری (۰/۰۵) کوچکتر می‌باشد و نیز با توجه به مقدار t محاسبه شده که ۰/۵۶۹ می‌باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۲ که ۰/۱۳۸ می‌باشد، بزرگتر است، رابطه معنی داری بین دو متغیر یاد شده در فرضیه نخست وجود دارد. برای آزمون تأثیر متغیر مستقل (پیش بین) بر متغیر وابسته این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده شده است. از آن جا که سطح معنی داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد، می‌توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق با خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار می‌باشد. ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر x به تغییرات کل، ۰/۳۲۳ می‌باشد. می‌توان بیان نمود که حدود ۳۲/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته (Y)، توسط تغییرات در متغیر مستقل یا پیش بین (X) تبیین می‌گردد.

بنابراین رابطه ریاضی بین متغیر تأثیر معنی دار نوسازی کالبدی در تخریب اجتماعات محلی این چنین خواهد بود:

$$Y = 1/196 + 0/724 X$$

می‌توان بیان نمود که یک واحد افزایش در متغیر X (نوسازی کالبدی) موجب ۰/۷۲۴ واحد افزایش در متغیر عامل تخریب اجتماعات محلی در محدوده محلات نمونه آماری یعنی راسته کوچه، سید حمزه، شمس و تربیت در محدوده مرکزی کلانشهر تبریز می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد.

۵.۲. فرضیه دوم

H1: سرمایه اجتماعی اتصالی در محدوده محلات مرکزی شهر تبریز بیشتر از محلات مدرن است.
H0: سرمایه اجتماعی اتصالی در محدوده محلات مرکزی شهر تبریز بیشتر از محلات مدرن نیست.
میانگین ضریب آلفا کرونباخ برای فرضیه مطرح شده عدد ۰/۵۶۱/ می‌باشد که بدین ترتیب سازه‌های تحقیق از پایایی مناسبی برای سنجش فرضیه مورد نظر برخوردارند. با توجه به این که هر دو متغیر سرمایه اجتماعی اتصالی و محلات مدرن و مرکزی در سطح

جدول شماره ۶: آزمون t پیرسون برای تعیین همبستگی سرمایه اجتماعی اتصالی در محلات مدرن و مرکزی

	سرمایه اجتماعی اتصالی	محلات مدرن و مرکزی
Pearson Correlation	سرمایه اجتماعی اتصالی	۰/۵۶۹
	محلات مدرن و مرکزی	۱/۰۰۰
Sig. (1-tailed)	سرمایه اجتماعی اتصالی	۰/۰۰۰
	محلات مدرن و مرکزی	۰/۰۰۰
N	سرمایه اجتماعی اتصالی	۲۷۳
	محلات مدرن و مرکزی	۲۷۳

جدول شماره ۷: تحلیل واریانس مربوط به مدل رگرسیونی متغیر سرمایه اجتماعی اتصالی و محله مدرن و مرکزی

R	ضریب تشخیص (R^2)	ضریب تشخیص تعدیل شده	خطای استاندارد
۰/۵۶۸	۰/۳۲۳	۰/۳۲۱	۰/۵۶۸۲۳
سطح معنی داری	مجموع مربعات	میانگین مربعات	سطح اطمینان
۰/۰۰۰	۴۱/۷۸۳	۴۱/۷۸۳	۰/۹۵
نتیجه آزمون:	درجه آزادی	F	رد فرضیه H_0
۰/۰۰۰	۱	۱۲۹/۴۰۵	
	رگرسیون	۲۷۱	
	باقیمانده	۲۷۲	
	کل	۱۲۹/۲۸۵	

جدول شماره ۸: ضرایب پارامتر فرضیه دوم مربوط به متغیر سرمایه اجتماعی اتصالی و محلات مدرن و مرکزی

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	t محاسبه شده	β شیب خط	عنوان متغیر
رد فرض H_0	۰/۰۰۰	۲۳/۲۵۰	۲/۴۳۷	عرض از مبدا
رد فرض H_0	۰/۰۰۰	۱۱/۳۷۶	۰/۴۱۷	محلات مدرن و مرکزی

بنابراین رابطه ریاضی بین متغیر سرمایه اجتماعی اتصالی و محلات مدرن و مرکزی به صورت زیر خواهد بود:

$$Y = 2/437 + 0/417 X$$

می توان بیان نمود که یک واحد افزایش در متغیر X (سرمایه اجتماعی اتصالی) موجب ۰/۴۱۷ واحد افزایش در متغیر عامل نوع محلات از نظر مدرن و مرکزی و تاریخی کلانشهر تبریز می شود. پس می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی دار می باشد. به عبارت دیگر محلات تاریخی نمونه آماری یعنی راسته کوچه، سید حمزه، شمس و تربیت در محدوده مرکزی کلانشهر تبریز از سطح سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به محلات مدرن همانند زعفرانیه، میرداماد، ولیعصر و رشیدیه برخوردارند.

۵.۳. فرضیه سوم

H1: سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی در محدوده محلات مرکزی شهر تبریز بیشتر از محلات مدرن است.

H0: سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی در محدوده محلات مرکزی شهر تبریز بیشتر از محلات مدرن نیست.

میانگین ضریب آلفا کرونباخ برای فرضیه مطرح شده عدد ۰/۷۲۰ می باشد که بدین ترتیب سازه های تحقیق از پایایی مناسبی برای سنجش فرضیه مورد نظر برخوردارند. با توجه به این که هر دو متغیر سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی و محلات مدرن و

مرکزی در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند، از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی برای سنجش رابطه آنها بهره گرفته شد. برای آزمون رابطه متغیرهای این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. (جدول شماره ۹)

چنانچه در جدول شماره ۱۰ ملاحظه می گردد، در سطح معنی داری یک دامنه ای، سطح معنی داری آزمون t پیرسون ۰/۰۰۰ بوده و این سطح از حداقل سطح معنی داری (۰/۰۵) کوچکتر می باشد و نیز با توجه به مقدار t محاسبه شده که ۰/۵۴۴ می باشد و این مقدار از مقدار بحرانی پیرسون با درجه آزادی ۲۷۲ که ۰/۱۳۸ می باشد، بزرگتر است، رابطه معنی داری بین دو متغیر یاد شده در فرضیه نخست وجود دارد. برای آزمون تأثیر متغیر مستقل (پیش بین) بر متغیر وابسته این فرضیه از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

از آن جا که سطح معنی داری آزمون مربوطه برابر ۰/۰۰۰ می باشد، می توان چنین ادعا نمود که آزمون فوق با خطای ۰/۰۵ یا سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار می باشد. ضریب تشخیص R^2 که عبارت است از نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیر X به تغییرات کل، ۰/۲۹۶ می باشد. می توان بیان نمود که حدود ۳۰ درصد تغییرات متغیر وابسته (Y)، توسط تغییرات در متغیر مستقل یا پیش بین (X) تبیین می گردد. (جدول شماره ۱۱)

جدول شماره ۹: آزمون t پیرسون برای تعیین همبستگی سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی و محلات مدرن و مرکزی

محلات مدرن و مرکزی	سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی	
۰/۵۴۴	۱/۰۰۰	Pearson Correlation
۱/۰۰۰	۰/۵۴۴	محلات مدرن و مرکزی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig. (1-tailed)
۲۷۳	۲۷۳	N
۲۷۳	۲۷۳	محلات مدرن و مرکزی

جدول شماره ۱۰: تحلیل واریانس مربوط به مدل رگرسیونی متغیر چشم انداز سازمانی و تأثیر آن بر توانمندسازی کارکنان

خطای استاندارد		ضریب تشخیص تعدیل شده		ضریب تشخیص (R^2)		R
۰/۵۷۹۴۰		۰/۲۹۴		۰/۲۹۶		۰/۵۴۴
سطح معنی داری	سطح اطمینان	F	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	منبع تغییرات
۰/۰۰۰	۰/۹۵	۱۱۴/۱۱۳	۳۸/۳۰۹	۳۸/۳۰۹	۱	رگرسیون
نتیجه آزمون: رد فرضیه H_0			۰/۳۳۶	۹۰/۹۷۷	۲۷۱	باقیمانده
			----	۱۲۹/۲۸۵	۲۷۲	کل

جدول ۱۱: ضرایب پارامتر فرضیه دوم مربوط به متغیر سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی و محلات مدرن و مرکزی

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	t محاسبه شده	β شیب خط	عنوان متغیر
رد فرض H_0	۰/۰۰۰	۱۷/۸۳۳	۲/۲۶۱	عرض از مبدا
رد فرض H_0	۰/۰۰۰	۱۰/۶۸۲	۰/۴۲۱	محلات مدرن و مرکزی

بنابراین رابطه ریاضی بین متغیر محلات مدرن و مرکزی و سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی کلانشهر تبریز به صورت زیر خواهد بود:

$$Y = 2 / 261 + 0 / 421 X \quad 1$$

می توان بیان نمود که یک واحد افزایش در متغیر X (سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی) موجب ۰/۴۲۱ واحد افزایش در متغیر عامل نوع محلات از نظر مدرن و مرکزی و تاریخی در کلانشهر تبریز می شود. پس می توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی این آزمون از لحاظ آماری معنی دار می باشد. به عبارت دیگر محلات تاریخی نمونه آماری یعنی راسته کوچه، سید حمزه، شمس و تربیت در محدوده مرکزی کلانشهر تبریز از سطح سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی بالاتری نسبت به محلات مدرن همانند زعفرانیه، میرداماد، ولیعصر و رشديه برخوردارند.

۶. نتیجه گیری و بحث

نوسازی کالبدی باعث جایگزینی ارزش های مدرن با ارزش های محلات مرکزی و واحدهای همسایگی می شود. به عبارت دیگر تعریض خیابان ها و بلوارها در واقع درکنشی معکوس باعث محدود شدن و تخریب سرمایه اجتماعی مکانمند و تاریخی اجتماعات محلی می شود. ارزیابی متغیرهای تخریب اجتماعات محلی، سرمایه اجتماعی انصالی و سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی در محدوده محلات قدیمی و مرکزی کلانشهر تبریز که در معرض پروژه های نوسازی کالبدی قرار گرفته اند، از جمله راسته کوچه، سید حمزه، شمس و تربیت حاکی از آن است که علاوه بر تحرک جغرافیایی و فضایی جابه جایی همسایگان از محدوده محلات قدیمی به سمت محلات مدرن همانند ولیعصر، زعفرانیه، میرداماد و رشديه اتفاق افتاده است. در عین حال سطح سرمایه اجتماعی انصالی و به هم پیوستگی در محدوده محلات مرکزی بیشتر از محلات مدرن است. این موضوع نشانگر آن است که هر چند نوسازی کالبدی در بخش هایی از محلات قدیمی باعث جابه جایی همسایگان شده اما هنوز گروه هایی از شهروندان به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و ... در این محلات باقی مانده اند و این امر باعث تداوم و بازتولید سرمایه اجتماعی می شود. در نهایت نوسازی کالبدی در بافت مراکز تاریخی و سنتی کلانشهرها به صورت دیالکتیکی بازنمایی می شود. سازوکار پنهان آن طراحی و ساخت فضاهای کالبدی جمعی از رهگذر تخریب اجتماعات محلی است. هم اجتماعات محلی و هم بسیاری از بناهای ارزشمند تاریخی و مذهبی که در مراکز شهری وجود دارد، مسبوق به عقلا نیت ارزشی کنش شهرسازی و جافتادگی تاریخی مکانی-زمانی است. سرمایه اجتماعی یکی از کیفیات اساسی منتج از روابط اجتماعی است که بازتولید آن معلول تداوم مکانی-زمانی اجتماعات محلی است. نوسازی کالبدی با تبدیل زمین شهری به کالایی قابل خرید و فروش، باعث افزایش سرمایه کالبدی محلات مرکزی می شود و آنها را به فضاهای بازاری تبدیل می کند اما در عین حال زمینه گسست تداوم زمانی مکانی واحدهای همسایگی را فراهم می آورد. مهمترین جنبه برجسته توسعه شهری مدرن و نوسازی کالبدی را می توان جابه جایی همسایگان و بروز بیگانگی اجتماعی

در محدوده محلات مرکزی نوسازی شده ارزیابی کرد. چنانچه مارشال برمن در تجربه مدرنیته نیز معتقد است که طنز تراژیک شهرسازی مدرنیستی آن است که پیروزی اش به نابودی همان زندگی شهری کمک کرده است که آزادی و رهایی آن، آرزوی این نوع شهرسازی بود. صورت دیالکتیکی این شهرسازی، از رهگذر همانندی به وضعیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دیالکتیک روشنگری که نظریه پردازان فرانکفورتی همانند هورکهایمر و آدورنو مطرح کرده اند، قابل بحث است. آرمان رهایی انسان از بندهای خرافه و اسطوره های کیهانی باعث اسارت در افسارهای عقلا نیت ابزاری و قفس آهنین خرد بوروکراتیک شد. چنانچه مارکس نیز در سرمایه معتقد است که استحاله یا دگرذیسی بی پایان ارزش های بازاری از خصوصیات اقتصاد کالایی است.

Reference:

- Ahmadi B, (2006), Modernity and critical thought, Markaz Press, 6th print, Tehran [in Persian]
- Arefi M., (2001), to the asset based approach to community development, translated by Navin Tavalayi, Hnarhay-e- Ziba quarterly, No.10, pp: 22-33. [In Persian].
- Berman M. , (2007), all that is solid melts into air, the experience of modernity, translated by Morad Farhadpoor, Tarh –e- NO press, [In Persian]
- Berman, M.(1983), All that is solid melts into air, the experience of modernity, Verso, London
- Carpiano R.M.(2008), Actual or potential neighborhood resources and access to them: Testing hypotheses of social capital for the health of female caregivers, Social science and Medicine, No.67, pp: 568- 582
- Chuang Y.C, Chuang K.Y.(2008), Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan, Social science and Medicine, No.67, pp: 1321- 1330
- Callinicos A., (2006), social theory, historical introduction, translated by Akbar Masum beige, Agah Press. [In Persian].
- Craib I., (2009), Classical social theory, an introduction to Marx, Weber, Durkheim, Simmel, Translated by Shahnaz Mosammaparast, Agah Press. [In Persian].
- Folland S.(2007), Does community social capital contribute to population health?, Social science and Medicine, No.64, pp: 2342- 2354
- Jones N.(2010), Environmental activation of

citizens in the context of policy agenda formation and influence of social capital, Social science, No.47, pp: 121- 136

- Habermas, J. (1983), Modernity; an incomplete project, in H. Foster(ed)
- Harvey D.,(2011), Postmodernity condition; an inquiry in the origins of cultural change. Translated by Aref Agvami Mogaddam, Pazhvak Press. [In Persian].
- Hagigi Sh., (2008), Transition from Modernity? Nietzsche, Foucault, Lyotard, Derrida, Agah Press, 4th print. [In Persian].
- Inglehart R, (2011), Modernization and post modernization,translated by Ali Mortazavian, Arganon, No.13[in Persian]
- Knox P. & Pinch S.(2000), Urban Social Geography, Rutledge
- Maru Y.T., Macalister R.R.J., Smith M., Stafford S.(2007), Modeling community interactions and social capital dynamics: the case of regional and rural communities of Australia, agricultural systems, No. 92,pp: 179-200.
- Narayan D. (2002), Empowerment and Poverty reduction; a source book, the World Bank press
- Snelgrove W.J, Pikhart H. Stafford M.(2009), A multi level analysis of social capital and self – rated health: evidence from the British household panel survey, social science and medicine, No.68, pp: 1993- 2001.
- Piri I, Khakpoor B. , (2005), social pathology of city and the role of social and physical capital in reduce it; geographical view, social science quarterly, Vol. 2. No 2. Pp: 13-30. [In Persian].
- Piri I., (2011), explanation of good governance and communitarian efficiency of city. The case of study city system of east Azerbaijan, Doctoral thesis, Tabriz university. [In Persian].
- Suzuki E., Takao S. Subramanian SV., Kumatsu H., Doi H., Kawachi I. (2010), Does low work place social capital have detrimental effect on worker's health? Social science and Medicine, No.70, pp: 1367- 1372.
- Tajbakhsh K., (2006), social capital; Trust, Democracy and development, translated by Afshin Khakbaz and Hassan Pooyan, Shiraze press, 2nd print. [In Persian].



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی